

راندگان موظف به رعایت نرخ مصوب شدند؛ افزایش ۵۵ درصدی نرخ سرویس مدارس در کرمان

پروین میرزاحسینی

حدود ۲۴ هزار دانش‌آموز در شهر کرمان برای رفتن به مدرسه از سرویس استفاده می‌کنند. تا سال گذشته مدارس وظیفه تامین سرویس مدرسه را برعهده داشتند اما امسال والدین کرمانی برای تعیین سرویس مدرسه فرزندان خود باید مستقیم با شرکت‌های خدمات حمل‌ونقل دانش‌آموزی که دارای پروانه فعالیت از سازمان مدیریت حمل‌ونقل بار و مسافر شهرداری هستند، قرارداد ببندند. این یک ابلاغ کشوری است و بر اساس آن در سال تحصیلی جدید، مدیران مدارس مجاز به عقد قرارداد با شرکت‌های خدمات حمل‌ونقل دانش‌آموزی نیستند.

در کرمان، شهرداری با راه‌اندازی سامانه «کرمان من» میزان کرایه سرویس مدارس را با توجه به نوع خودرو و مسیر هر دانش‌آموز از خانه تا مدرسه مشخص کرده و والدین می‌توانند بر اساس نرخ اعلام شده برای تعیین سرویس دانش‌آموزان اقدام کنند. اما به گفته تعدادی از والدین، برخی راندگان حاضر به قبول نرخ اعلام‌شده در پلت‌فرم «کرمان من» نیستند و درخواست کرایه بالاتری را دارند.

رئیس اداره انجمن اولیا و مربیان کرمان در این باره با بیان این‌که نرخ تعیین شده برای سرویس مدارس در سال تحصیلی جدید مصوب شورای اسلامی شهر کرمان است، تأکید کرد: «شرکت‌ها و راندگان موظف به رعایت نرخ‌نامه اعلام‌شده هستند». سیدمیثم حسینی گفت: «تعدادی از راندگان و شرکت‌ها نسبت به نرخ‌نامه موجود معترض بودند و اعلام کردند که نرخ اعلام شده از نرخ تاکسیرانی شهرداری نیز پایین‌تر است اما با توجه به جلساتی که برگزار شده و نرخی که تعیین شده است، راندگان حق دریافت کرایه‌ای غیر از آن‌چه در سامانه کرمان من اعلام شده را ندارند». وی افزود: «اگر والدین در زمان مراجعه به شرکت‌ها با درخواست پرداخت کرایه بیشتر مواجه شدند، می‌توانند شکایت کتبی خود را به تاکسیرانی تحویل دهند تا در اسرع وقت به این موارد رسیدگی شود».

حسینی با بیان این‌که سال گذشته حدود ۲۳ هزار دانش‌آموز در شهر کرمان از سرویس مدرسه استفاده کردند که این آمار امسال افزایش خواهد یافت، ادامه داد: «نرخ سرویس مدارس نسبت به سال گذشته ۵۰ تا ۵۵ درصد افزایش داشته و نرخ سرویس‌دهی بر اساس پیمایشی که توسط تاکسیرانی و شورای شهر انجام گرفته، تعیین شده و آموزش و پرورش دخل و تصرفی در تعیین نرخ نداشته است». به گزارش استقامت، وی خاطرنشان کرد: «تعیین نرخ‌نامه برای جلوگیری از تضییع حقوق والدین و دانش‌آموزان انجام شده و شرکت‌ها موظف به رعایت این نرخ‌نامه هستند».

رئیس اداره انجمن اولیا و مربیان کرمان در ادامه با بیان این‌که هزینه سرویس نباید دستی پرداخت شود، توضیح داد: «در حال حاضر بر اساس دستورالعمل سرویس مدارس، شرکت‌های حمل‌ونقل دانش‌آموزی ۴۰ درصد هزینه سرویس را به‌صورت پیش دریافت می‌کنند که این هزینه باید به حساب شرکت واریز شود». وی با بیان این‌که واگذاری نظارت و تعیین سرویس مدرسه به شهرداری‌ها مصوبه وزارت کشور است، گفت: «این مصوبه سراسری است و پس از ابلاغ آن، هفته گذشته سامانه کرمان من برای سرویس‌دهی به دانش‌آموزان به بهره‌برداری رسید».

حسینی با اشاره به فعال شدن سامانه کرمان من در روزهای اخیر، از والدین خواست تا فرصت دهند به‌مرور زمان، مشکلات سرویس‌دهی مدارس برطرف شود. وی در ادامه با بیان این‌که سال گذشته بیشترین مشکلات سرویس مدارس مربوط به خودروهای آزادبری بود که از طرف اولیا برای دانش‌آموزان انتخاب شده بود، تأکید کرد: «هیچ نظارتی بر این سرویس‌ها از سوی سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف وجود ندارد و در صورت بروز مشکل برای دانش‌آموز هیچ‌کس پاسخگو نخواهد بود».

حسینی خاطرنشان کرد: «والدین حتماً از سرویس‌هایی که در شرکت‌های دارای مجوز از شهرداری هستند برای ایاب و ذهاب فرزندان خود استفاده کنند تا در صورتی که خدایی نکرده مشکلی رخ داد، بتوان بر آن موضوع نظارت داشت».

گروه فرهنگ‌و هنر: محمدعلی علمی ادبیات را رهایی از تاریکی می‌خواند و تصویرش از دنیای بدون ادبیات، دنیایی پر از تاریکی است.

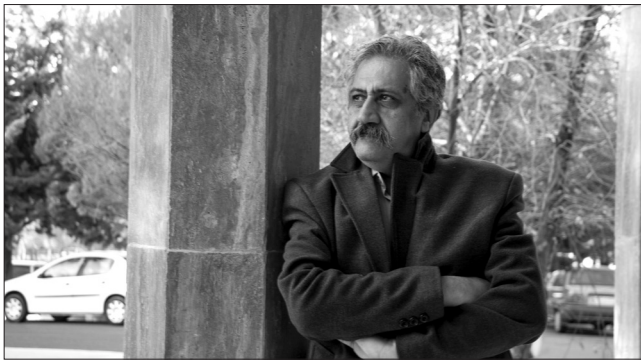
این نویسنده درباره تصورش از آینده‌ای بدون ادبیات، اظهار کرد: «نیچه می‌گوید «هنر، زندگی را قابل تحمل می‌کند» که این هنر شامل ادبیات نیز می‌شود، طبیعی است اگر جامعه فقط ادبیات نداشته باشد، به نحوی به زندگی خود ادامه می‌دهد. اما اگر قرار باشد دامنه ادبیات وسیع شود، یعنی ادبیات دیرین و دینی را هم شامل شود از کتاب انجیل گرفته تا دیگر کتاب‌ها، آن‌ها هم مفقود شوند، جهان کاملاً بی‌معنا و تاریک می‌شود».

به گزارش ایسنا، او با اشاره به موضوع رمان «فرانهایت ۴۵۱» که آتش‌سوزی کتاب در نظام توتالیتر است، گفت: «اگر اندیشه حاکم، اندیشه مردم باشد، حذف ادبیات غیرقابل‌تصور است زیرا آثار گذشتگان از گوته گرفته تا دانتو و شکسپیر و هومر در ادبیات غرب و آثار درخشانی چون مثنوی، پنج‌گانه نظامی، هزرویک‌شب، سمک عیار و آثار عطار در ادبیات ما وجود دارند. و اگر نبودشان را همان نبود ادبیات بدانیم، دنیا غیرقابل‌تصور است. البته باید بگویم ادبیات فرامی‌اشی هم جهان را تاریک می‌کند».

علمی با بیان این‌که هگل می‌گوید «رمان حماسه دوران جدید است»، اظهار کرد: «اگر انسان رمان و داستان نداشته باشند، طبعاً حماسه‌ای ندارد. البته در این‌جا باید مفهوم وسیع حماسه را در نظر بگیریم، حماسه لزوماً جنگ با دیگری نیست بلکه جنگ با خود نیز هست. با حماسه و جنگ درون از تاریکی بیرون می‌آیی و به جهان بهتر و عادلانه‌تر فکر می‌کنی. با نبود ادبیات این چیزها کاملاً از بین می‌رود. در نبود ادبیات، تاریکی مطلق به

محمدعلی علمی نویسنده بمی:

دنیای بدون ادبیات پر از تاریکی است



وجود می‌آید و ادبیات رهایی از تاریکی است». نویسنده «پرباید» و «سوگ مغان» با بیان این‌که ادبیات از بقیه پدیده‌ها جدا نیست، گفت: «علم به فلسفه منجر می‌شود و فلسفه بر ادبیات تأثیر می‌گذارد. ما در ادبیات مصرف‌گرا هستیم و معمولاً تولیدات فکری را وارد می‌کنیم و بعد شروع به مصرف می‌کنیم. اظهار نظر فیلسوفان درجه دوم یا نویسنده‌های درجه دوم یا درجه یک اروپا را وارد کرده و عیناً از روی آن‌ها، شروع به نوشتن می‌کنیم که در این مواقع فردیت مستقل نویسنده حذف می‌شود».

او در ادامه بیان کرد: «از زمان مشروطه به بعد، در جامعه گسستی با ادبیات کهن به وجود آمد و افراد معدودی مانند بهرام صادقی و صادق هدایت و غلامحسین ساعدی در داستان و اخوان ثالث و دکتر شفیعی کدکنی در شعر به ادبیات کهن توجه کردند. با گسست از ادبیات کهن، تقلید به وجود آمد و دیگر نویسنده‌ها فردیت نداشتند و هرچه در غرب مد بود در این‌جا اجرا شد، هر حرفی که نویسنده درجه دو و سه می‌زدند با ترجمه‌های غلط، این‌جا مد می‌شد، یک زمانی ویرجینیا

آمد که عموماً هم عمیق نیست. گاه مرجع وجود می‌آید و زمان دیگر فاکتور مد شد، زمانی هم پورست و رمان پست‌مدرن». علمی با تأکید بر این‌که در رمان و داستان به یک سبک مستقل نرسیده‌ایم، گفت: «خلی مانده که نویسندگان‌مان در عرصه نوشتن صاحب‌سبک شوند. در رئالیسم هم عموماً این‌طور است. رئالیسم اجتماعی ما مثل آینه‌ای است که وقایع‌نگاری می‌کند و صدسال دیگر می‌شود ادبیات تاریخی. رمان رئالیسم اجتماعی ما چیزی بر بیش مخاطب اضافه نمی‌کند، مگر احمد محمود که با هوشیاری از استعاره‌ها استفاده کرده و لایه‌هایی به داستان‌های اجتماعی اضافه می‌کند که به‌اصطلاح توسعه معنا پیدا می‌کند، یا غلامحسین ساعدی از استعاره و تمثیل بسیار بهره‌مند می‌شود و به همین جهت قابل تأویل است یا «محمد شریفی» در باغ اناری».

این داستان‌نویس در ادامه گفت: «زمانی پدربزرگ‌ها، با ملاحای محل و ریش‌سفیدان، مرجع فکری ما بودند زیرا ۷۰ درصد جامعه کاملاً بی‌سواد بودند. بعد سواد دانشگاهی آمد که عموماً هم عمیق نیست. گاه مرجع

میرحسینی، نویسنده و کارگردان مستند بی‌بی‌جان:

هدفم از ساخت «بی‌بی‌جان» آگاهی دادن به جامعه است

گروه فرهنگ‌و هنر: دوشنبه گذشته مستند بی‌بی‌جان ساخته سیدحمید میرحسینی در محل «کافه رو» با حضور کارگردان این اثر و مسعود اشجعی فیلم‌ساز و منتقد، و جمعی از تماشاگران علاقه‌مند نمایش داده شد و در ادامه مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

مستند «بی‌بی‌جان»، روایتگر زندگی بی‌بی‌جان کربمی‌زاده ساکن سیرجان است که به تنهایی سرپرستی سه کودک معلول ذهنی، «بیمار پی‌کی‌یو» را بر عهده دارد و در این راه با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می‌کند و همچنان عاشقانه و مادرانه در این مسیر سخت، بار زندگی را بر دوش می‌کشد. در پایان این نشست میرحسینی در پاسخ به این سوال که «فیلم بی‌بی‌جان را چه زمانی و با کدام انگیزه ساختی؟» بیان کرد: «این فیلم را دو سال پیش ساختم، با این انگیزه که توجه بیشتری به این خانواده بشود و آن‌ها بتوانند در شرایط مناسب‌تری زندگی کنند. چون به شدت نیاز به توجه دارند، و ما با یک زن سرپرست خانواده‌ای مواجه‌ایم که سه بچه معلول دارد. من ده سال پیش از طریق یک دوست خبرنگار با این موضوع آشنا شدم و با خود عهد کردم از هر راهی که بتوانم به این خانواده کمک کنم. از طریق خیرین و دوستان تا توانستم به این خانواده کمک کردم و در انتها هم مستند زندگی آن‌ها را ساختم. چون آن زمان هم وقت‌اش بود و هم اینکه بی‌بی‌جان به من اعتماد کامل داشت».

این مستندساز کرمانی در ادامه با بیان این‌که هدفم از ساختن این فیلم آگاهی دادن به جامعه بود، افزود: «از چند زاویه به این موضوع نگاه کردم که مهم‌ترین آن، شناخت بیماری ناشناخته «بی‌بی‌یو» بود. چون اگر در زمان پیش از تولد و حتی زمان نوزادی بچه‌ها توجه بیشتری صورت بگیرد، این بیماری

از نگاه کلی، بیماری پی‌کی‌یو یک بیماری متابولیک ارثی است و از والدین به فرزندان منتقل می‌شود و والدین سهم برابری در به ارث رساندن این بیماری به فرزند خود دارند. یک جهش ژنی دارای اشکال در مادر یا پدر می‌تواند باعث آن بشود. علائم بیماری بسیار شدید است و صدمات ذهنی و جسمی و رفتاری ناشی از آن وجود دارد. به دلیل این بیماری، رفتار فرزند می‌تواند پرخاشگرانه و صدمه‌زننده به خود و اطرافیان باشد و اختلال عصبی هم می‌تواند در این بیماران وجود داشته باشد».

وی افزود: «در این نوع بیماری، فرزندان ممکن است تشنج داشته باشند، دچار عقب‌ماندگی ذهنی و اوتیسم بشوند و به ارگان‌های دیگر به دلیل محدودیت شدید تغذیه‌ای صدمه‌زننده به نظر من باید مستندها و فیلم‌های زیادی برای شناخت هرچه بهتر جامعه ساخته شود و این وظیفه اجتماعی یک فیلم‌ساز است که آگاهی می‌دهد».

میرحسینی در مورد کافه‌رو که محل نمایش این فیلم بود هم توضیح داد: «دوستانی به نام حنظل رشیدی و پدرام شیخ‌مظفری لطف کرده‌اند، محل کسب خود را در روزهای دوشنبه هر هفته پاتوق فرهنگی کرده‌اند. در این پاتوق فرصت برای نمایش فیلم‌هایی از فیلمسازان کرمانی که کمتر دیده شده‌اند یا مخاطب خاص دارند، فراهم می‌شود. من و سایر دوستان از این فرصت استقبال کردیم. و اگر آن‌ها با جلسات نقد از دو هفته پیش آغاز شد، و تا پایان مهر که فصل دانشجویی است. ادامه دارد و خوشبختانه با استقبال خوبی هم از طرف مخاطبان همراه شد. تا جایی که در بعضی سانس‌ها به خاطر شلوغی بیش از حد تماشاگران، تعدادی هم ایستاده به تماشای فیلم‌ها نشستند».

فکری ما، فیلسوف و نویسنده درجه چندم اروپایی می‌شود که اگر چیزی بگوید، شروع به تقلید می‌کنند، حتی ممکن است این مرجع نویسنده قوی چون وولف و فاکتر باشد. اما باید توجه کنیم آن‌ها در یک زمینه تاریخی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت بودند و ما زمینه تاریخی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت داریم که باید آن را بشناسیم. آیین مهر و زروانی‌گرایی و باطنی‌گری رم‌آمیز و رمزآلود پیشینه تاریخی و فرهنگی ماست، اما چون مطالعه کار دشواری است و طبعاً تقلید کار راحت، عموماً به تقلید روی آورده و هویت فرهنگی ما نادیده گرفته می‌شود. نادیده گرفتن هویت فرهنگی بالقوه می‌تواند برای ادبیات ایران خطرناک باشد، برای همین است که ما سبک نداریم، آثار کپی می‌شوند و اگر کتابی را بخوانید انگار بقیه کتاب‌ها را هم خوانده‌اید».

علمی در پایان تأکید کرد: «در جامعه ادبی‌مان سبک داستان‌نویسی نداریم و کسی که سبک دارد، دچار تفرد روان می‌شود که خیلی هم دردناک است، زیرا از هیچ طرف حمایت نمی‌شود، این نویسنده می‌تواند برای می‌شود ادبیات دستوری را به کار برد و نه ادبیات تقلیدی برایش جالب توجه است، بنابراین دچار تفرد روانی می‌شود. بهتر است واضح بگویم خودم واقعاً نه ادبیات ژدانی و دستوری را قبول می‌کنم و نه ادبیات تقلیدی را، اما خب فردینی که آدم پیدا می‌کند تحملش سخت می‌شود، خیلی سخت. آدم خوشحال می‌شود در جامعه ادبی باشد اما وقتی می‌گویند نویسنده قرن نوزدهمی هستی، پست‌مدرن نیستی، نویسنده نیستی، آدم ترجیح می‌دهد تنها شود که این تنهایی، تنهایی خوشحال‌کننده‌ای نیست، بلکه سخت و دردناک است».



نویسنده و کارگردان فیلم بی‌بی‌جان، در پایان این را هم اضافه کرد: «بی‌بی‌جان مادری است از مادران سرزمین‌مان که سه کودک معلول دارد و با دست خالی، اما دلی آکنده از عشق و امید، فرزندان خود را به تنهایی سرپرستی می‌نماید، او در این راه با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می‌کند، مشکلاتی که شاید ما حتی نتوانیم یک مورد از آن‌ها را تحمل کنیم. همسر بی‌بی‌جان بعد از اینکه متوجه می‌شود بچه‌هایش به بیماری پی‌کی‌یو دچار شده‌اند، از او جدا می‌شود».

میرحسینی تصریح کرد: «سال‌هاست درباره زنان سرپرست خانواده مستند می‌سازم، ولی بی‌بی‌جان یک مورد استثنایی است که حتی قابل مقایسه با هیچ موردی که تا به امروز ساخته‌ام نیست». گفتنی است، عوامل این فیلم عبارتند از مدیر تصویربرداری: علی‌رضا نجیب‌زاده، صدابردار: افراسیاب امیری، مدیر تولید: زینب عبدالله‌آبادی، پژوهش: سمیرا شیخ‌مظفری، همسایه حقایق، سیدحمید میرحسینی، عکاس و برنامه‌ریز: فرزاد حسینی، مجری طرح: حجت طاهری، صداگذار: مریم شهسوار، تدوین: سیدحمیدمیرحسینی، مشاور پزشکی: فهیمه نظری، اصلاح رنگ: مازیار محمدی، مشاور رسانه‌ای: سارا کبریایی، گوینده تیزر: علی‌رضا رازانی، ساخت تیزر: مهسا صادقی‌زاده، دستیاران تصویر: علی‌رضا طاهرزاد، علی صالحی